



۲۰۱۸/۰۸/۱۶

حنیف رهیاب رحیمی

یورش بر پایتخت فرهنگی جهان اسلام!

طالبان درنده با یورش بر شهر غزنی و جنایاتی را که در مدت چهار روز درین شهر انجام دادند، ثابت ساختند که پیرو و تابع هیچ قانونی نیستند و هر عمل و رفتاری را که متضمن برآورده ساختن اهداف شان باشد، انجام می دهند. افغانیت، اسلامیت و انسانیت هیچکدام برای شان ارزش و اهمیتی ندارد.

ببینید



فجایع و اعمال غیر انسانی و ددمنشانۀ طالبان در غزنی خدا کند برای عده ای از قلم بدستان تحصیل دار و دانشمند ما، که آنها را نیروهای مقاومت، مجاهد، فدایی و جنگجویان می نامند، اسناد و شواهد کافی شده بتواند که باز هم با گذاشتن این نامهای بی مسمی و جاهلانه بالای این گروه وحشی صفت که تحت قوماندۀ پنجابی های مردارخور تفنگداری و قتل و کشتار می کنند، بعد ازین خون مردم عادی را به غلیان نیاورند.

همه می دانیم که جنگ جنگ است و در جنگ حلوا بخش نشده. اما این جنگ مانند تیغ دو رُخ بدنهای از قیل بیمار مردم ما را برید. طالبان با قساوت و بی رحمی و وحشت شان و حکومت با دست بالای دست گذاشته با نظاره گر بودن محض شان.

طالبان که پس از مذاکرات مستقیم ایالات متحده با ایشان که صرف به خاطر حاضر ساختن آنها بر روی میز مذاکره با دولت افغانستان، صورت گرفته جرأت و شهامت زیادی پیدا نموده اند یک بار دیگر با حمله بر شهر غزنی (پایتخت فرهنگی جهان اسلام!) جنایت نا بخشودنی را مرتکب شدند. آنها خواستند تا مانند ویرانی مجسمه های بودا در بامیان، همه هستی های تاریخی و ملی این شهر را که مدنیت های درخشانی را پشت سر گذرانده، نیز از بین ببرند.

در حمله طالبان بر شهر غزنی اگر موضوعات را خلاصه نمایم، نکات زیر قابل مکت است:

- جناب داکتر اشرف غنی و آقای عبدالله عبدالله همراه با سایر مقامات عالی رتبه امنیتی دست زیر الاشه نشسته و در سه روز اول با بی پروایی نظاره گر تباهی دار و ندار مردم یک شهر بودند.
- این هجوم به هیچوجه غافلگیرانه و آنی نبود بلکه از ماه ها پیش توسط آی اس آی پاکستان پلان گردیده و خبر وقوع آن به وسیله اعضای شورای ولایتی غزنی و نمایندگان مردم در پارلمان بیش از ده بار به طور جداگانه به گوش بزرگان! و مسؤولین امنیتی رسانیده شده بود.
- حمله بر یکعهده ولسوالی های غزنی و سقوط آنها، خود هشدار و واضح و آشکارا بود که به آن اهمیتی داده نشد.
- در سه روز اول روز یورش به طالبان حکومت فرصت داد که تا می توانند بکشند، غارت کنند، تخریب کنند، آتش بزنند و سر ببرند. حکومت و ارگانه های امنیتی در روز چهارم که دیگر رمقی برای مردم و ساختمانی در شهر آباد باقی نماند، حکومت به فرستادن نیروهای تازه نفس آغاز نمود.
- نه تنها بیش از یکصد و پنجاه جوان از نیروهای امنیتی در دفاع از وطن و سرزمین شان به خاک و خون غلتیدند، بلکه صدها تن از مردمان بیگناه و بی دفاع غزنه نیز قربانی این بی تفاوتی زمامداران حکومت وحدت ملی شدند.
- درین میان آنچه سبب شکنجه بیشتر غزنویان و دیگر هموطنان می گردید، سخن های غلط و معلومات نادرست سخنگویان دولتی بود که با جلوه دادن عادی اوضاع، ملت را گمراه ساخته و عین را غین و ف را قاف وانمود می کردند. این خود نشان می دهد که دستگاه دولت سخت زیر نفوذ جاسوسان پاکستانی و ایرانی قرار دارد.
- به طور نمونه وزیر دفاع کشور در برابر کمره تلویزیون زمانی که رقم های نادرست از کشته شدگان را ارائه می داشت، به خاطری که می دانست دروغ می گوید، گلوی مبارکش دو سه بار خشکی کرد.
- مردمی که در غزنی زیست دارند، در طول سال ها، با صدها نوع مشکلات یک کار و بار آبرومندانه برای خود درست کرده اند که با آن زندگی شباروزی خود را سپری و خانواده خود را نان می دهند. طالبان وحشی با آتش زدن نیمی از شهر، تجارتخانه ها، دزدی و سوختاندن بیش از هزار دکان، سرای ها و سایر ساختمان ها، این کار و بار غریبانه را که نان دهنده خانواده ها بود از دست شان گرفت و دولت هم آنرا تا آخر تماشا کرده رفت. خسارات

این حمله برای مردم غزنی از میلیون ها دالر تجاوز می کند نه کدام بیمه وجود دارد و نه کدام پرداخت کننده خساره. به این ترتیب در ظرف چهار روز به صدها خانواده در دامن فقر و ناداری و بیکاری فرو افتادند و دربدر شدند.

- اگر هوش و حواس حکومت وحدت ملی به جایش باشد و بیشتر در فریب دادن خود و دیگران زحمت نکشد، این یورش نشان داد که طالبان در تصرف شهرها و مناطق کشور دست آزاد و توانایی کافی دارند. یعنی این نوکران پاکستانی ها اگر اراده می داشتند می توانستند مدت ها در شهر غزنی باقی بمانند بدون اینکه دولت یک قدم به سوی آنها پیشروی نماید. حالت دفاعی نیروهای دولت اینرا به اثبات رساند.

حیران کننده اینست که در طول این مدت، یورش گران و طلبه پاکستانی چه معجزه ای به خرج دادند که مهمات شان تا به آخر جنگ ختم نشد در حالیکه در تقریباً همه پوسته های نیروهای امنیتی، رزمندگان دلیر وطن تا آخرین مرمی شان جنگیدند و با ختم مهمات، جان های شانرا به علت سهل انگاری و یا ناتوانی حکومت شان، از دست دادند و صدها خانواده را در گلیم غم و ماتم شان نشانند. بین سربازان کشور ما که واقعاً با شهامت، میهن پرست، با ایمان و قهرمان های واقعی هستند هرکدام شان فرزندان، مادر، پدر، خواهر، برادر و اقارب دارند. همه خانواده ها خاک بسر و تا آخر عمر شان ماتمدار شدند.



آقای رئیس دولت و جناب رئیس اجرائیه!

مسئولین سکتورهای امنیتی کشور!

شما که در هجوم چپاولگران بر جان و مال و زندگی مردم غزنی خود را تا این حد کرخت و بی احساس انداختید آیا گفته می توانید که در طول مدت زمامداری تان کدام خدمت، کدام کارنامه مثبت، کدام عمل نیک و سازنده را برای مردم غزنی هم انجام داده باشید؟

برای این شهر دارای سابقه با مدنیت درخشان که جهان آنرا به دیده قدر می نگرد، حکومت شما چه کار فوق العاده ای را در آنجا انجام داده است؟

اگر هیچ نکرده اید که نکرده اید، لطفاً به ناتوانی، بیهودگی و عجز تان اعتراف نموده بیش ازین در فریب مردم تلاش نکنید. شما نزد وجدان تان، نزد خداوند و نزد مردم غزنه و نزد مردم افغانستان در هردو سرای جوابگو و مسؤول هستید.

نباشد که این بُرد و باخت ها که در گوشه و کنار کشور به راه انداخته می شود و به قیمت جان هزاران انسان بیگناه تمام می شود، تدابیر و نیرنگ هایی باشد برای درهم و برهم کردن و اختلال کار انتخابات پیشرو؟ خداوند، تاریخ و نسل های امروز و بعدی غزنه شما را نخواهند بخشید.

زیرا هنوز هم مردم افغانستان از شما منحيث زعيم و رئيس کشور توقع دارند حمايت و پشتيبانی شوند، از برکت شما در امن و صلح و آرامش زندگی کنند نه اینکه مانند غزنه و کندز و فراه و پوسته های امنیتی در گوشه و کنار میهن و... تار و مار و با خاک یکسان شوند!

به گفته شاعر:

من از بیگانگان هرگز ننالم
که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

